



بازخوانی آداب، رسوم و اعتقادات ازدواج در شهر چلیچه^۱ طیبه احمدی^۱، افسانه قانی^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد باستان شناسی، دانشگاه شهر کرد

۲- استادیار دانشکده هنر و علوم انسانی فارس، دانشگاه شهر کرد

چکیده

فرهنگ شفاهی اقوام مختلف کشور دارای آدابی است که تقریباً از ابتدا ثابت و به ندرت در حال تغییر بودند اما با مدرن شدن جوامع و رواج زندگی شهرنشینی برخی از این آئین‌ها کمرنگ شده است. از جمله این مراسم‌ها، ازدواج است که یکی از مهم‌ترین مراحل گذر در زندگی اشخاص است و به دلیل وجود فرهنگ‌ها و موقعیت‌های جغرافیایی در مناطق مختلف کشور با اعتقادات متفاوتی انجام می‌گیرد که بسیاری از این رسوم ریشه اجرایی مشترک و برخی دیگر با شیوه‌های خاص هر منطقه انجام می‌شود. در این میان شهر چلیچه از توابع استان چهارمحال و بختیاری از بدو خواستگاری تا پس از ازدواج همچون پاگشا کردن عروس و داماد رسوم متنوع و اصیلی داشته است که در پس برخی شان اعتقاداتی نهفته است. بدین سبب این مقاله کیفی به شیوه مردم‌نگاری و روش توصیفی - تحلیلی درصدد آن است تا رسوم، اعتقادات و برخی نواهای ازدواج در شهر چلیچه را شناسایی و معناهای نهفته در پس آن را معرفی نماید، هرچند که این مراسم همانند گذشته برگزار نمی‌شود اما هنوز شکل نمادین خود را حفظ کرده است. بدین منظور این سؤال مطرح می‌شود که چه اعتقاداتی و با چه مفاهیمی در پس مراسم ازدواج در شهر چلیچه وجود داشته است؟ نتایج بیانگر آن است که اعتقادات در پس مراسم ازدواج در شهر چلیچه ریشه در فرهنگ و باورهای کهن مردم این شهر و بیشتر جنبه احترام، گشادگی بخت، خوش‌یمنی و خوشبختی داشته اند و این رسوم نشانه‌ای از مقدس بودن و اهمیت ازدواج در فرهنگ شفاهی مردم منطقه بوده است. **کلیدواژه‌ها:** ازدواج، اعتقادات، آداب و رسوم، چلیچه، فرهنگ شفاهی

۱. چلیچه در ۳۰ کیلومتری جنوب غربی شهرکرد، ۹ کیلومتری شهرستان فارس و در شرق آن واقع شده که در مورد وجه تسمیه این شهر اسناد مکتوبی موجود نیست، فقط در خاطرات سردار ظفر بختیاری از چلیچه بانام (چلیچه) یاد شده است. گویش اهالی گویش بختیاری و نوع پوشش در گذشته پوشش بختیاری بوده است (<http://www.irantraveller.ir>).



مقدمه

ازدواج پیوندی آئینی است که طی احکام یا رسوم خاص بین زن و مرد در مذاهب و کشورهای مختلف با وجه اشتراک و افتراق‌هایی برگزار می‌شود. «آداب و رسوم هر جامعه مجموعه‌ای از رفتارهای دینی و غیردینی گروهی از مردم است که به دلیل مشترکات دینی یا ملی گرد هم آمده‌اند و به دلیل زیربنای فکری مشترک، از یکدیگر پیروی می‌کنند» (گشتاسب، ۱۳۹۱: ۱۵۸). مراسم ازدواج با وجود اشتراکاتی که در همه مناطق کشور دارد، در مواردی همچون رقص‌ها، آهنگ‌ها و نواها، نوع پوشش، غذا و آداب اجرایی در هر منطقه‌ای دارای تفاوت‌هایی است. در بین این مناطق، بختیاری‌ها یکی از مفصل‌ترین و پرآداب‌ترین عروسی‌های ایران را برگزار می‌کنند، شهر چلیچه یکی از مناطق بختیاری نشین که به فاصله ۳۰ کیلومتری شهرکرد مرکز استان چهارمحال و بختیاری قرار دارد، (تصویر ۱) از این امر مستثنی نیست. مراسم ازدواج در این شهر با آداب و رسوم خاص و اصیلی برگزار می‌گردد، که در پس هر کدام از این آداب و رسوم اعتقاداتی نهفته است. این مقاله به صورت میدانی و از طریق مصاحبه با تعدادی از افراد مسن، بزرگان و نیز از طریق مشاهده و شرکت در مراسم عروسی منطقه چلیچه گردآوری شده و درصدد رسیدن به محتوای اعتقادات ازدواج در چلیچه و معرفی آنان به همراه برخی نواها و ترانه‌ها است. همچنین این مقاله می‌کوشد تا آئین و رسوم رو به فراموشی را بیان و به ماندگاری رسوم و آشنایی نسل‌های بعدی با آن‌ها کمک کند. کلیه مراسم بیان‌شده در مقاله تا ۱۰ سال گذشته کاملاً رایج بوده و امروزه بسیاری از آن‌ها کم‌رنگ یا کاملاً منسوخ شده است. از طرفی از آنجا که آداب و رسوم و آئین‌ها در فرهنگ ملت‌ها به خصوص در فرهنگ ایران از فرهنگ شفاهی عامه مردم، اعتقادات، ترس‌ها و شادی‌های آن‌ها به وجود آمده است، در آئین ازدواج نیز معناهای اعتقادی کهنی نهفته است؛ بدین دلیل مسئله اصلی که این مقاله در پی آن است معرفی مراسم عروسی و شناخت محتوای اعتقادات نهفته در پس آن‌ها و ترانه‌ها در شهر چلیچه است.



تصویر ۱: موقعیت جغرافیایی چلیچه

مأخذ: کتاب اول: راهنمای گردشگری استان چهارمحال و بختیاری: ۱۳۹۸.



پیشینه تحقیق

در زمینه مردم‌شناسی در ایل بختیاری فعالیت‌هایی توسط محققین انجام شده ولی در مورد مراسم‌های خاص آن‌ها تحقیقات جامعی صورت نگرفته است. در کتاب چلیچه در گذر زمان (صادقی: ۱۳۹۶) به طور مختصر به مراسم عروسی در این منطقه اشاره شده است، جلوه‌ای از مراسم عروسی در میان لرهای لرستان و بختیاری (کیوان پهلوان) و آداب و رسوم ازدواج در ایل بختیاری (حمدالله صادقی نیا: ۱۳۹۴) که در قالب مقاله به مراسم عروسی در قوم بختیاری پرداخته‌اند؛ ولی در مجموع تحقیقات میدانی کامل و جامعی در مورد این منطقه و به خصوص اعتقادات در پس مراسم ازدواج آن‌ها انجام نشده است که برای نخستین بار در این مقاله به این مهم پرداخته می‌شود.

چارچوب نظری

روش استفاده شده در مقاله حاضر مردم‌نگاری می‌باشد. مردم‌نگار که از او بانام «انسان‌شناس» نیز یاد می‌کنند، کسی است که در بین مردم مورد مطالعه‌ی خود برای مدتی زندگی می‌کند و «درگیر بررسی دست‌اول نظام‌های اجتماعی - فرهنگی می‌شود» (مورفی، ۲۰۰۹: ۹۵). جامعه مورد مطالعه بر اثر تعاملی که با مردم‌نگار ایجاد می‌کند، مهارت‌های خاصی از زندگی را به او یاد می‌دهند و در این نوع مطالعه مشاهده‌ی مشارکتی، جزئیات بیشتری از زندگی مردم به دست خواهد آورد. مردم‌نگار نه تنها سعی می‌کند الگوهای عمومی زندگی را شرح دهد، بلکه ممکن است همراه با مطالعه فرهنگ مردم «بسیاری از آداب، رسوم و عقاید آن‌ها را نیز تبیین کند» (ملک‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۰). بدین منظور مردم‌نگار باید «فنونی برای گردآوری داده‌ها به کار بگیرد که ویژگی‌های دست‌اول بودن، درگیر بودن و کل‌گرا بودن را داشته باشد» بنابراین باید مردم‌نگار با «بودن در آنجا» به مشاهده‌ی مستقیم و بی‌واسطه‌ی رفتارها، اشیا و رخدادها آن‌چنان که هستند (وضعیت ایستای هم‌زمانی) و آن‌چنان که می‌شوند (وضعیت پویای درزمانی) بپردازد، سپس باید رفتارها، اشیا و رخدادها یا جهان اجتماعی و مادی را شخصی تجربه کند (ایزدی جیران، ۱۳۹۱: ۳۹)؛ یعنی مشاهده مشارکتی که در قلب هر پژوهش مردم‌نگارانه قرار دارد.

مردم‌نگاری از نظر لغوی؛ یعنی توضیح و معرفی یک قبیله یا قوم، مجموعه روش‌های گردآوری اطلاعات برای توصیف یک فعالیت خاص فرهنگی - اجتماعی و یا نوع زندگی دسته‌ای از افراد یک جامعه است (منادی، ۱۳۸۶: ۷۸). «مردم‌نگاری به مجموعه روش‌های گردآوری که امروزه هم مطرح‌اند، گفته می‌شود؛ یعنی نوعی نزدیکی و وارد شدن به موضوع و حتی یکی شدن با آن. این روش تنها جزء روش‌های توصیفی نیست، مردم‌نگاری نوعی تحلیل است. وقتی ما دست به توصیف دقیق چیزی می‌زنیم، خود این توصیف یک تحلیل است» (فکوهی، ۱۳۸۵: ۴۸۰) لذا مردم‌نگاری به‌عنوان: الف. یک روش پژوهش ب. یک تکنیک یا ابزار اندازه‌گیری و ج. یک نظریه یا تئوری مطرح هست که به‌اختصار هر کدام معرفی می‌شوند.



مردم‌نگاری به مثابه روش^۲ پژوهش

مجموعه‌ی ابزارها یا روش‌هایی مانند مشاهده، مصاحبه، عکس‌برداری و فیلم‌برداری است که مردم‌نگار مدّتی را با افراد خاص جامعه‌ای یا گروهی مورد مطالعه زندگی کرده، سپس داده‌های جمع‌آوری شده (از طریق تکنیک‌های عنوان‌شده) را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

(جدول ۱-۱). مردم‌نگاری به مثابه روش

در کجا مفهوم را جستجو می‌کنید؟	تفسیر چه کسی؟	واحد تحلیل چیست؟	هدف نهایی چیست؟
مردم‌نگاری	تفسیر حاصل تعادل میان محقق و مشارکت‌کننده	اجتماع	نقشه فرهنگی

منبع: (وندراستوپ و جانسون، ۲۰۰۹: ۲۰۱)

مردم‌نگاری به مثابه‌ی تکنیک

روشی است برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌هایی پیرامون گروه یا دسته‌ای با انجام مشاهده یا مصاحبه‌ای که غیررسمی است؛ یعنی مصاحبه‌شونده (گان) به‌طور دقیق نمی‌داند که فرد مقابل او یک پژوهشگر مردم‌نگار است و از هدف او نیز بی‌اطلاع خواهد بود. در این حالت نه گفته‌ها ضبط می‌شوند و نه کاغذی در میان است که یادداشتی برداشته شود. مصاحبه به‌صورت یک گفتگوی دوستانه انجام می‌شود. همچنین مردم‌نگار در حین گفتگو فقط به محتوای صحبت‌ها توجه نداشته، بلکه علاوه بر اصطلاحات، نوع برخورد و رفتارهای اجتماعی به فرهنگ ظاهری شخص مثل پوشش و نوع آرایش او نیز توجه دارد. درواقع، همه‌ی عناصر فرهنگی موجود در فرد و در آن محیط از نظر مردم‌نگار به دور نخواهد ماند (منادی، ۱۳۸۶: ۵۶).

مردم‌نگاری به مثابه‌ی تئوری

هر گروهی واقعیت فرهنگی خود را که متمایز و متفاوت از دیگر فرهنگ‌ها باشد، می‌سازد. درواقع، به‌مرور زمان مشخص خواهد شد که کوچک‌ترین رفتارها (ژست‌ها، حرکات چهره، حالت‌ها و عکس‌العمل‌های عاطفی) به‌هیچ‌وجه خنثی و طبیعی

²²2. Ethnography as Method



نیستند (همان)؛ بلکه ناشی از فرهنگی است که افراد در آن زندگی می کنند. از این رو مردم نگار به آنچه افراد گروهی یا جامعه‌ای انجام می دهند، به آن‌ها باور دارند و برایشان مهم است، توجه می کند و آن‌ها را در نظر می گیرد.

برای مردم نگاران کار میدانی آن مرحله‌ای از گردآوری داده‌هاست که مردم نگار در محل، میدان و خارج از محل کار یا کتابخانه به تحقیق می پردازد و می تواند از روش‌هایی همچون: «مشاهده مشارکتی، مصاحبه‌های فردی و گروهی رو در رو، مصاحبه‌های ساختار نیافته (شامل مصاحبه تاریخ زندگی و مصاحبه روایتی)، نقشه‌ها و نمودارها، جمع‌آوری مستندات پرسش و پاسخ، عکاسی، نظرسنجی یا جمع‌آوری و گرفتن نوارهای صوتی و فیلم» (مورچیسون، ۲۰۱۰: ۴۱) و (اوریلی، ۲۰۰۵: ۳۹) بهره ببرد و آنچه مهم است رابطه‌ی مستقیم و بی‌وقفه‌ی پژوهشگر با مردمان مورد مطالعه است. در بستر زندگی روزانه‌ی آن‌ها وارد می شود، اتفاقات را می بیند، گفته‌ها را می شنود، می پرسد و برایش مهم است که بداند مردم مورد مطالعه چگونه درباره‌ی اعمالشان می اندیشند، نگاهشان به دنیا و ارتباطشان با زندگی چگونه است؟ و برای این، هر فرد مردم نگار در جریان کار انتخاب خواهد کرد که تا چه اندازه می خواهد به مسائل تاریخی یا عوامل عمده‌ی دیگر دخیل در موضوع کارش پردازد، تا چه حد نگاه نقادانه داشته باشد و خود را درگیر سیاست‌های فرهنگی کند یا تا چه اندازه از روش‌هایی استفاده کند که برای برخورد مستقیم و بی‌وقفه، نگاه کردن، گوش سپردن و سؤال کردن هستند (www.Anthropology.ir).

با توجه به توضیحات فوق در این مقاله از مردم نگاری به مثابه روش استفاده شد تا نویسندگان در یک رابطه‌ی مستقیم و بی‌واسطه، رسوم و اعتقادات ازدواج در شهر چلیچه را به‌طور زنده و دست اول مشاهده کنند، در زندگی جامعه‌ی مورد مطالعه خود مشارکت جویند، با کنشگران (بومیان) وارد تعامل شوند و از اسناد فرهنگی بهره جویند. در مجموع، با توجه به روش مردم نگاری می توان گفت: موضوع مقاله حاضر مانند زبان بومی است که بومیان آن را بهتر می فهمند ولی به‌طور معمول توضیح معنای این زبان به‌صورت مستقیم به وسیله‌ی آنان، کمتر امکان پذیر است. تنها با پژوهش و حضور در میدان، تحلیل و کشف ارتباط سایر داده‌های فرهنگی (داده‌های مادی و غیر مادی فرهنگ) و در نظر گرفتن وجوه مختلف می توان به فهم بهتر ولی نه کامل از این زبان بومی دست یافت؛ چنان که پس از این مراحل مشخص خواهد شد که بومیان منطقه چلیچه با چه باورهایی مراسم عروسی را برگزار می کنند و مهم تر از آن چه مفاهیمی در پس رسوم و اعتقادات ازدواج در شهر چلیچه وجود دارد که در ادامه به این مهم پرداخته می شود.

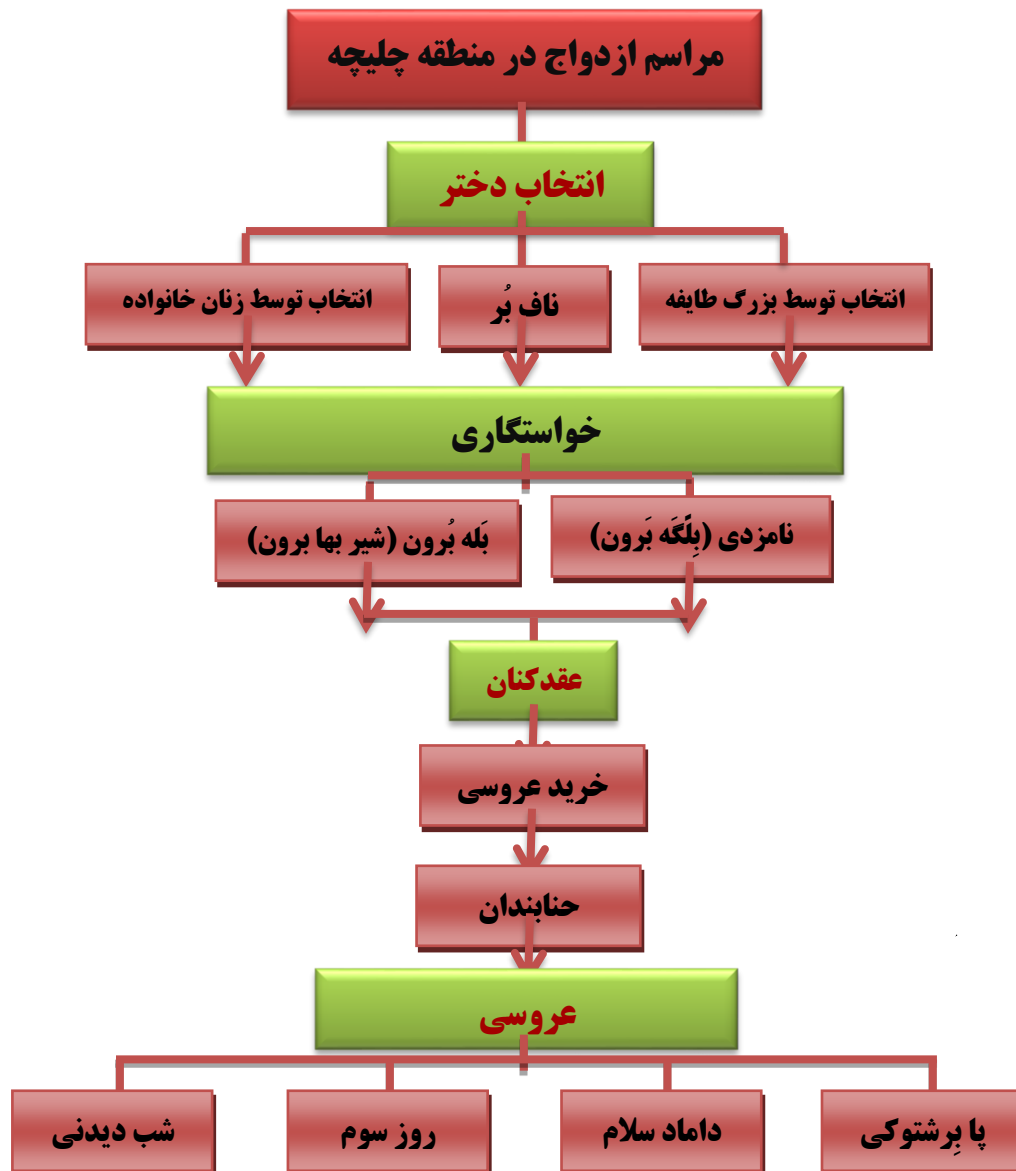
۱- مراسم عاریسی^۳ در چلیچه

هر عمل آئینی به‌مثابه جلوه‌ای از اندیشه‌های بنیادین انسان است که در قالب رمز، آشکارکننده جوهره‌های پنهان اوست. حرکات موزون، موسیقی، ضرب آهنگ و ریتم، آداب و قواعد پوشش و برخی خوراکی‌ها از ارکان اجتناب‌ناپذیر مناسک و آئین‌ها

^۳. عروسی



هستند که یکی از بهترین انگیزه‌ها برای برپایی اجتماعات انسانی هستند و از این رو، مشارکت مردم را در پی دارند (رفیع فر و کمال لو: ۱۳۹۳). از جمله این آئین‌ها می‌توان به اعتقادات و باورهایی در مورد ازدواج و مراسم عروسی اشاره کرد، اما امروزه بسیاری از این باورها و رسوم کمرنگ و رو به فراموشی است؛ بدین خاطر در این مقاله بر آن شدیم تا آداب و رسوم مراسم ازدواج در شهر چلیچه و برخی اعتقادات پشت آن‌ها را طبق نمودار شماره ۱ توصیف و تحلیل نماییم.



نمودار ۱: مراسم ازدواج در چلیچه



مآخذ: نگارندگان، تحقیقات میدانی: بهار ۱۳۹۷.

۱-۲. مراسم خواستگاری

مراسم خواستگاری در چلیچه مانند سایر مناطق آداب و رسوم خاص خود را داشته که اولین مرحله آن انتخاب دختر مناسب برای پسر و اطمینان از پاسخ مثبت خانواده دختر است. سن ازدواج در چلیچه قدیم بسیار پائین بوده و خانواده‌ها به محض اینکه احساس می‌کردند پسرشان آمادگی پذیرش مسئولیت یک خانواده را دارد، مقدمات ازدواج وی را فراهم می‌نمودند (صادقی، ۱۳۹۶: ۸۳). دختران نیز از سن دوازده، سیزده سالگی باید آماده ازدواج می‌شدند. شرایط تربیتی آن زمان هم طوری بود که دخترها در این سن کم تقریباً توانایی انجام کارهایی همچون: بچه‌داری، خانه‌داری (همانند آشپزی و پخت نان)، قالیبافی، دامداری و حتی کشاورزی را داشتند و یک مادر باید دختر خود را به نوعی تربیت می‌کرد که از پس همه این کارها بر بیاید (انصاری و مختاری، گفتگوی حضوری: ۹۷). یکی از ریشه‌دارترین ازدواج‌ها در بین مردمان این منطقه ازدواج فامیلی بوده و هست که این انتخاب دختر به عنوان عروس یک خانواده به سه صورت انجام می‌گرفت:

الف. در گذشته و در بسیاری از خانواده‌ها رسم بر این بود که هرگاه در خانواده‌ای دختری به دنیا می‌آمد به امر بزرگ خانواده او را ناف بر می‌کردند به این معنی که: ناف او را به اسم یکی از پسران خانواده که در اکثر مواقع پسرعموی او بود، می‌بریدند و از همان ابتدا نامزد و در اکثر مواقع در آینده با هم ازدواج می‌کردند. هدف از انجام این کار حفظ انسجام، تحکیم درون فامیلی و خانوادگی بود «ازدواج ناف برون مربوط به جوانانی می‌شود که در کودکی خانواده‌های آن‌ها نافشان را برای هم بریده‌اند و چه بخواهند یا نخواهند باید به عقد هم در آیند» (پهلوان، ۱۳۸۸: ۸۷).

ب. یکی دیگر از راه‌های انتخاب عروس برای یک خانواده انتخاب دختر توسط بزرگ طایفه بوده است که در این انتخاب برقراری و انسجام روابط، حفظ منافع و رسم دو طایفه مدنظر بوده و ممکن بوده که هیچ‌کدام از افراد خانواده داماد، دختر را هرگز ندیده باشند (آذرینوش، گفتگوی حضوری: ۹۷).

ج. اگر عروس به دو روش ذکر شده انتخاب نمی‌شد (و خیلی کم پیش می‌آمد که پسری خود عروسش را انتخاب کند)، وظیفه انتخاب عروس خانواده به عهده مادر و خواهرهای داماد بدون دخالت و حق انتخاب ایشان بود؛ حتی گاهی ممکن بود که بدون حضور داماد برایش نامزد یا عقد می‌کردند. در این روش پس از تحقیقات، دیدن، تأیید دختر و مشورت با بزرگ خانواده نوبت به خواستگاری می‌رسید که این کار با توجه به موقعیت خانوادگی دختر توسط بزرگ خانواده یا زنی که در خانواده مورد اطمینان و احترام همه است انجام می‌شد که به منزل دختر می‌رفته و موضوع را با بزرگ خانواده دختر در میان و دختر را خواستگاری می‌کردند. خانواده عروس نیز موضوع را با بزرگان طایفه خود مطرح می‌کردند. پس از چند روز دوباره کسی که به خواستگاری رفته بود برای گرفتن جواب می‌رفته است. اگر جواب مثبت بود مادر پسر به همراه همان زن یا خواهر داماد



به خانه دختر رفته، یک روسری و یک انگشتر را به عنوان «نشان»^۴ برای دختر می بردند و در واقع دختر را برای پسرشان نامزد می کردند (آذر نیوش و انصاری، گفتگوی حضوری: ۱۳۹۷).

۱-۲-۱. بلگه^۵ برون

خانواده داماد در شب چله^۶ یا شب عید بزرگ^۷ فامیل را دعوت و برای عروس بلگه (شب چله ای یا عیدی) می بردند که شامل طلا، روسری، لباس یا پارچه، میوه، نقل و نبات و آجیل هایی که خود درست می کردند مانند: گندم برشته، کشمش، مغز گردو و بادام بود. بلگه برون در واقع همان جشن نامزدی محسوب می شد. از طرفی دیگر رسم بر این بود که داماد در طول نامزدی به خانه عروس نمی رفت فقط در شب عید نوروز، چله و اعیاد مذهبی داماد به همراه یکی از نزدیکانش اعم از مادر، خواهر، زن برادر، عمه یا خاله برای عروس هدیه می برد که این هدایا شامل طلا، پارچه، چادر سفید و لباس بود (نگارندگان، تحقیقات میدانی: ۹۸).

۱-۲-۲. بله برون (شیر بایی برون)

قبل از مراسم عقد، شبی را به عنوان شیر بایی برون یا شیرینی خورون (بله برون) که در گذشته قند اشکون هم گفته می شد، انتخاب می کردند که این شب یکی از شب های یکشنبه، سه شنبه، پنجشنبه یا جمعه بود چرا که این شب ها در بین مردم چلیچه شب های نیکویی است و هر کار نیکی را در این شب ها انجام می دهند؛ اما شب های شنبه، دوشنبه و مخصوصاً شب چهارشنبه را شب های نحس و بدشگون می دانند و هیچ مراسم عروسی در این شب ها صورت نمی گیرد، بسیاری از مردم در این شب ها هیچ چیز سفیدی را از خانه خارج نمی کردند و حتی حمام رفتن دوشنبه و چهارشنبه (یکشنبه و سه شنبه بعد از ظهر تا ظهر دوشنبه و چهارشنبه) را بدشگون می دانستند. برخی بر این باور بودند که اجنه در این روزها خصوصاً چهارشنبه به حمام می روند (نگارندگان، گفتگوی حضوری: ۹۸). سعد و مبارک و نحس و شوم بودن روزها یک عقیده و سنت است که در بین همه ادیان و ملل و اقوام بوده و در هر منطقه ای با توجه به عقاید مردم آن منطقه این روزها فرق دارند. «در بیان کلام وحی نیز این موضوع به چشم می خورد: چنانکه از زمان نزول قرآن با ((لیلہ مبارکہ)) (دخان: ۳) یا زمان نزول عذاب بر قوم عاد را به ((ایام نحسات)) (فصلت: ۱۶) تعبیر می کند» (نقی زاده، ۱۳۹۴: ۱۵۴).

بله برون یک رسم مردانه است. فامیل داماد در خانه پدر داماد جمع و به رقص و شادی می پرداختند و زن ها با زدن کل در واقع به دیگران اعلام می کردند که جشنی در خانه برقرار است. در خانه عروس نیز به همین صورت. شب، پدر داماد به همراه مردان

^۴ . نامزد
^۵ . هدیه ای از سوی داماد شامل: طلا، پارچه، روسری، آجیل محلی، قند و نبات که بعد از بله گفتن عروس به وی می دهند. برای بردن بلگه اغلب زنان فامیل نزدیک داماد، جمع می شوند تا به اتفاق مادر و خواهران داماد به خانه عروس بروند.
^۶ . شب پلدا
^۷ . عید نوروز



بزرگ فامیل به خانه پدر عروس رفته تا در مورد شیربها، مهریه و زمان عروسی صحبت کنند. بقیه نیز در خانه پدر داماد به جشن و شادی می پردازند. همچنین فامیل عروس نیز بزرگان فامیل را دعوت می کردند تا با طرفین داماد گفتگو کنند. «یک رسم جالب در این شب این بوده است که پس از بحث و گفتگوی زیاد و توافق بر سر مهریه و شیربها که با توجه به شأن، موقعیت عروس و خانواده اش متغیر بود، دو کله قندی که توسط خانواده داماد آورده شده بود، توسط یکی از جوانان فامیل داماد شکسته می شد» (عباس پور، گفتگوی حضوری: ۹۷). بعدها به خاطر بحث هایی که بر سر مهریه و شیربها به وجود می آمد یک توافق نامه توسط بزرگان تدوین شد که بر اساس آن مقدار مهریه، شیربها و مقدار پولی که برای خرید باید پرداخته شود، نوشته شد تا برای همه یکسان باشد و هنوز هم این عهدنامه پابرجاست که طبق آن یک جلد کلام الله مجید، یک جفت آئینه و شمعدان، چهارده سکه طلا و پول که مقدار آن با توجه به شرایط اقتصادی تغییر می کند. البته این موارد فقط برای ازدواج های درون خود شهر است و برای ازدواج های خارج از شهر صدق نمی کند. بعدها به جای کله قندها دو جعبه گز می بردند که این رسم هنوز با آداب و رسوم خاص خودش برگزار می شود (محمد صادق احمدی، گفتگوی حضوری: ۹۷). در این شب علاوه بر توافق بر سر میزان مهریه و شیربها، تاریخ عقد و عروسی نیز مشخص و همچنین یک تاریخی را برای خرید عروسی انتخاب می کردند.

۳-۱. خرید عروسی

خرید کردن قبل از عروسی یک سنت دیرینه است که هم یک نوع احترام به خانواده ها است و هم از طرفی زوجین برای یکدیگر ارزش و الایی پیدا می کنند. در گذشته بدین نحو بوده است که در روز خرید داماد به همراه پدر، خواهر (یا زن برادر، عمه، خاله یا زن عمو) و عروس نیز به همراه پدر و زنان خانواده (به جز مادر) به خرید می رفتند. ابتدا قرآن و آئینه شمعدان را خریده و سپس به سراغ سایر می رفتند. داماد لباس، کیف، کفش، لوازم آرایش را برای عروس می خرید و خانواده عروس هم لباس، کفش و ابزار اصلاح صورت را برای داماد می خریدند (مختاری، گفتگوی حضوری: ۹۷)؛ حتی برخی لوازم مورد نیاز زندگی خریداری و داماد باید همه را برای ناهار دعوت می کرد. در چلیچه هنوز این رسم خرید کردن انجام می شود.

۳-۱-۱. سرخرید

یکی از رسم های جالب در این روز، گرفتن هدیه ای به عنوان سر خرید بوده است برای همه زنانی که در این روز همراه عروس و داماد بودند، که برای همراهان عروس پدر عروس و برای همراهان داماد اغلب پدر داماد یا خود داماد خرید می کردند که این سرخرید شامل پارچه یا روسری بود.

۴-۱. مراسم عقد

مراسم عقد در منطقه چلیچه که امروزه حتی برخی خانواده ها بدین شیوه برگزار می کنند بدین قرار است که خانواده داماد وظیفه تهیه سفره عقد با تمام ملزومات آن را به عهده دارند. روی سفره عقد قبل از هر چیز قرآن و آئینه شمعدانی که خریده اند



COMSTech Inter-Islamic Network on Virtual Universities
Avicenna International Community College LLC

Holding time: September 15, 2020
Tbilisi - Georgia



را قرار می دهند و سپس هفت تخمه، تخم مرغ، نبات، نان، پنیر، سبزی، سبزه، گردو و بادام، عسل و کره، انار و یک کاسه آب می گذارند که هر یک نمادی از اعتقادات مردم است که در جدول شماره ۱ معرفی شده اند.

نماد	لوازم سفره عقد
کتاب خدا، خیر و برکت زندگی	قرآن
نور و روشنایی و آینه	آئینه و شمعدان
گندم	هفت تخمه
خیر و برکت و باروری (میوه وصل)	
عدس	
برکت و باروری	
لوییا	
برکت و باروری	
نخود	
برکت و باروری	
ماش	نان
برکت و باروری	
تخم شنبلیله	پنیر و سبزی
برکت و باروری	
تخمه	سبزه
برکت و باروری	
خیر، برکت و رزق و روزی حلال	عسل و کره
سر سبزی، رزق، روزی و دل خوشی	
خوشبختی و سر سبزی	نبات
چرب و شیرین نماد زندگی شیرین و با برکت	
شیرینی و شادی	گردو و بادام
رزق و روزی فراوان	
زاد و ولد	تخم مرغ
روشنایی، خوشبختی و پاکی	
زاد و ولد و افزایش نسل	انار
دود کردن برای دفع چشم زخم	
	اسپند (دینشت)

جدول شماره ۱: اجزاء سفره عقد

مآخذ: نگارندگان، تحقیقات میدانی: ۱۳۹۷



عروس باید با لباس و چادر سفیدی که توسط خانواده داماد به او هدیه داده شده عقد شود و دور چادر نیز تا چهل روز پس از عقد نباید دوخته شود^۸ چرا که دوخته نشدن آن نماد گشادگی و سفید بختی عروس است. هنگام خواندن خطبه توسط عاقد، زن دو عقده، مطلقه یا بیوه، عروس و داماد چله دار، زن زانو چله دار^۹ نباید در اتاق عقد باشند. عقیده بر این است که چله آن‌ها به عروس و داماد می‌افتد، اجاق آن‌ها کور می‌شود^{۱۰} و یا سبب ناکامی در زندگی مشترک و اتفاقات ناگوار و جدایی برای آن‌ها پیش می‌آید؛ همچنین هنگام خواندن خطبه عقد حاضرین نباید دست‌های خود را در هم گره کنند و باز بودن دست‌ها نماد گشادگی، طلب خیر و برکت در زندگی آن زوج است (آذر نیوش، گفتگوی حضوری: ۱۳۹۷). بعد از خواندن خطبه هر کدام از زوجین اول در آینه نگاه بیندازد اصطلاحاً می‌گویند که عقد بر او شکسته شده که نشانه خوش‌یمنی و اتفاقات خوب برای او و زیباتر شدن چهره‌اش است. همچنین هر کدام از عروس یا داماد اول پای خود را روی پای دیگری بزند در زندگی حرف اول را می‌زند. بعد از عقد نیز آب عقد (آب سر سفره عقد) را روی سر عروس و داماد می‌ریزند که نشانه روشنایی، پاکی و خوش‌یمنی در زندگی آن‌هاست (احمدی و مختاری، گفتگوی حضوری: ۹۷).

۱-۵. حنابندان

در گذشته برای دعوت از مهمان‌ها برای جشن حنابندان و عروسی، خانواده عروس و داماد جداگانه هر یک فهرستی از مهمان‌ها به دست دلاک^{۱۱} محل می‌داده‌اند؛ سپس ایشان به در خانه‌ها می‌رفته، مردم را دعوت و آن‌ها هم به‌عنوان شیرینی مقداری قند به او می‌دادند (محمد حسن احمدی، گفتگوی حضوری: ۹۷). چند شب قبل از حنابندان جوانان و فامیل داماد در خانه او جمع می‌شدند، کارهای مربوط به جشن را انجام، به رقص و شادی می‌پرداختند و زن‌ها هم با کشیدن کل و خواندن ترانه‌های محلی به شادی می‌پرداختند؛ که به این مراسم دو گرمی (گرم کردن مجلس) گفته می‌شد (نگارندگان، گفتگوی حضوری: ۹۸). در روزی که شب آن حنابندان بود فامیل درجه یک داماد به همراه شمال^{۱۲} با رقص محلی به خانه عروس می‌رفتند که به این روز «رخت بُرون» می‌گفتند. بدین مفهوم که یک زن خیاط پارچه‌هایی که داماد برای لباس عروس تهیه کرده بود را برش می‌داد. این لباس‌ها شامل شلوارقری (دامنی با چین‌های فراوان که بیشتر از جنس مخمل بوده) و جومه (لباس بلند و آستین‌دار که از دو طرف حدود ۲۰ سانتی‌متر چاک می‌زدند) بوده است، زن‌ها دور عروس دست می‌زدند، کل می‌کشیدند، ترانه‌های آهای گل و دو مالالی می‌خواندند و مردان با آهنگ شمال می‌رقصیدند. پس از بردن لباس عروس دوباره به همان صورت به خانه

۸. در منطقه بدان چله داری گفته می‌شود.

۹. چهل روز از زایمانش نگذشته باشد.

۱۰. اجاق کور به معنی نداشتن فرزند به‌خصوص فرزند پسر است. در زمان‌های گذشته برای روشن کردن اجاق نیاز به هیزم بوده و اگر خانواده‌ای فرزند پسر نداشتند می‌گفتند اجاقشان کور است؛ یعنی پسری نیست که هیزم بیاورد و اجاق را روشن نگه دارد.

۱۱. دلاک حمام. شاید بتوان این گونه تعبیر کرد که انتخاب دلاک برای این کار نوعی کارت دعوت عروسی امروزه بوده است و از این نظر دلاک را انتخاب می‌کردند که تنها کسی بوده که حاضر می‌شده است به منازل افراد برود، خبر عروسی را داده و شیرینی که همان قند بوده را بگیرد. از طرفی این کار سطح پایین بودن آن فرد نسبت به افراد دیگر را می‌رسانده است.

۱۲. یا میشکال. نوازندگان محلی در ایل بختیاری



 Avicenna International
Community College LLC CINLU

COMSTech Inter-Islamic Network on Virtual Universities
Avicenna International Community College LLC

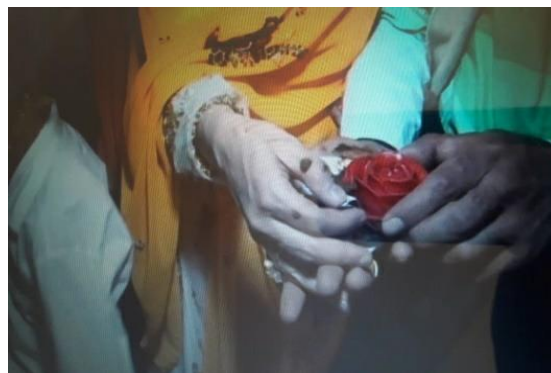
Holding time: September 15, 2020
Tbilisi - Georgia

4th International Conference on Language, Literature History and Civilization

داماد برمی گشتند و تا پس از شام که حنا را به منزل عروس ببرند، همچنان این رقص و پای کوبی ادامه پیدا می کرد (آذر نیوش، گفتگوی حضوری: ۹۷) ظرف حنای تزئین شده، آینه، قرآن و یک فانوس را در یک سینی یا طبق تزئین شده با پارچه و دستبافته های محلی قرار می دادند و لباس و وسایل عروس را نیز در طبق های دیگر گذاشته، بر سر می گذارند و به همراه تشمال با رقص و خواندن ترانه محلی حنا حنا و سوزه و سوزه^{۱۳} به خانه عروس می رفتند (تصویر ۲) البته بدون داماد و پدر و مادرش. در خانه عروس خواهر یا عمه بزرگ داماد یک برگ سبز، اغلب برگ درخت گردو به نشانه سبز بودن بخت و یک اسکناس در کف دست عروس گذاشته (تصویر ۳) و یک پسر بچه^{۱۴} باید حنا را از کف دست عروس بدزدد و به عنوان شیرینی، اسکناس را برای خود برداشته و حنا را به خانه داماد ببرد (انصاری، گفتگوی حضوری: ۹۷) خانواده عروس نیز یک کیسه حنا، حنا بندهایی که برای داماد تهیه کرده اند، وسایل حمام و لباس های داماد را در سینی های بزرگ مسی گذاشته و به دست فامیل داماد داده تا با خود ببرند. وقتی به خانه داماد برگشتند با رقص و خواندن ترانه های مربوط به حنا بندان دست و پای داماد را حنا می بندند.



تصویر ۲: طبق کشی مراسم حنا بندان
 مأخذ: غضنفری پور، ۱۳۹۸.



۱۳. سوز
 ۱۴. پسر بچه نماد نسل آوری و اجاق کور نبودن عروس و داماد است.

4th International Conference on Language, Literature History and Civilization

COMSTECH Inter-Islamic Network on Virtual Universities
Avicenna International Community College LLC

Holding time: September 15, 2020
Tbilisi - Georgia

تصویر ۳: مراسم حنا گذاشتن کف دست عروس و داماد
مآخذ: آلبوم عکس مصاحبه شوندگان، ۱۳۹۸.

۱-۶. روز عروسی

جشن عروسی فردای خوابندان برگزار و وقفه‌ای بین این دو مراسم نیست. در روز عروسی مهمان‌ها از حدود ساعت ۱۰ صبح جداگانه به خانه‌های عروس و داماد می‌آیند. شمال در خانه داماد از صبح شروع به نواختن می‌کند و زنان و مردان با لباس محلی یک حلقه بزرگ ایجاد و رقص دستمال‌بازی که یکی از اصیل‌ترین رقص‌های بختیاری است را انجام می‌دهند (تصویر ۴، ۵ و ۶). مردها و زن‌ها در عروسی وقتی کنار هم قرار می‌گیرند مجموعه‌ای از رقص‌هایی را انجام می‌دهند به نام "چوبی" یا دستمال‌بازی؛ که به صورت گروهی و به شکل دایره یا نیم‌دایره انجام می‌شود. همراه نواختن موسیقی توسط میشلکال نغماتی نیز خوانده می‌شود، «اشعار موسیقی دستمال‌بازی گاه حالتی تغزلی، عاشقانه و گاهی حالتی حماسی همچون شیرعلی مردان به خود می‌گیرد» (کاوایی، ۱۳۹۵: ۲۰۹).

رقص یا بازی دیگر بختیاری‌ها چوبازی یا ترکه بازی است که شامل رقص دو پا، سه پا و چوبازی^{۱۵} بوده است (تصاویر ۷ و ۸). ترکه بازی آیین و رقصی است که سبب تقویت روحیه سلحشوری در مردان بختیاری می‌شود رقصی است کاملاً مردانه که نمادی از نبرد، حماسه و دفاع است و گاهی حالت مسابقه دارد. رقص آیینی چوب بازی حماسه‌های کهن را به ذهن متبادر می‌کند (داودی حمله، ۱۳۹۷: ۳۱۳). این رقص‌ها علاوه بر بیان شادی بیانگر اتحاد و همبستگی مردم این منطقه است (محمد صادق و محمد حسن احمدی، گفتگوی حضوری: ۹۷) در همین روز قبل از ظهر فامیل داماد با شمال و رقص به خانه عروس رفته و جهیزیه عروس را با سینی و طبق بر سر به خانه داماد می‌آورند (تصویر ۹).



۱۵. چوب بازی: در بین ایل بختیاری آیین سنتی چوب بازی و ترکه بازی از جایگاه مهم مردم شناختی برخوردار است و در آیین‌های شاد مردم این آیین را همانند اقوام زاگرس نشین ایران برگزار می‌کنند که امروزه از آئینی رزمی به آئینی یزمی تبدیل شده و به گونه‌ای است که دو مرد با دو چوب به مبارزه نمادین با یکدیگر می‌پردازند. ترکه محکم و کلفت «دیرک» در این مبارزه نمادین دست مدافع و «ترکه» نازک که با حرکت کتف‌ها همراه است در دست حمله‌کننده است. این ترکه بازی یا چوب بازی همراه با کرنا نوازی و دهل‌نوازی است و صدای دهل یادآور سم ستوران در نبرد و رزم بوده است. این جشن یک آیین مردانه محسوب می‌شود (www.irna.ir).

4th International Conference on Language, Literature History and Civilization

COMSTech Inter-Islamic Network on Virtual Universities
Avicenna International Community College LLC

Holding time: September 15, 2020
Tbilisi - Georgia

تصاویر ۴، ۵ و ۶: رقص دستمال بازی
مآخذ: آلبوم عکس مصاحبه شوندگان: ۱۳۹۸.



تصاویر ۷ و ۸: چوبازی
مآخذ: غضنفری پور، ۱۳۹۸.



تصویر ۹: بردن جهیزیه عروس در سینی یا طبق
مآخذ: تحقیقات میدانی، مجموعه عکس مصاحبه شوندگان: ۱۳۹۸.

آرایش عروس در خانه و توسط یکی از زنانی که در این کار مهارت داشت؛ انجام می گرفت که این آرایش شامل برداشتن موهای صورت عروس، سرمه بادام و آرایش موی عروس که جلوی موهای عروس را تا روی ابروهای او کوتاه کرده به آنها چرک می گفتند و کناره های مو را کمی بلندتر از چرک کوتاه می کردند که به آنها پیزلفی می گفتند (تصویر ۱۰).

4th International Conference on Language, Literature History and Civilization

COMSTech Inter-Islamic Network on Virtual Universities
Avicenna International Community College LLC

Holding time: September 15, 2020
Tbilisi - Georgia





تصویر ۱۰: چَرک و پیزُلفی

مآخذ: نگارندگان، تحقیقات میدانی: ۱۳۹۷.

از ویژگی‌های دختران قدیم این بود که قبل از ازدواج تُرنه‌های خود را به حالت پیچ مانند زیر گلوی خود می‌بستند (تصویر ۱۱) و بعد از ازدواج تُرنه‌ها را صاف و بدون پیچش می‌بستند که نشان از متأهل بودنشان بود (صادقی، ۱۳۹۶: ۸۵).



تصویر ۱۱: ترنه

مآخذ: موسوی، مجموعه عکس شخصی: ۱۳۹۷.

عصر همین روز مردان و به دنبال آنان زنان، داماد را با ساز، ترانه‌های محلی و رقص تا دم حمام همراهی می‌کردند (تصویر ۱۲) و بیرون حمام به رقص و شادی می‌پرداختند. حتی کسانی که به عروسی دعوت نبودند نیز جمعیت را همراهی می‌کردند. وقتی داماد از حمام بیرون می‌آمد باید با همه مردان دست می‌داده و روبوسی می‌کرده است؛ پس از آن سوار بر اسبی^{۱۶} که برای او آراسته و مهیا کرده بودند، می‌شده، بقیه با رقص و شادی به دنبال داماد تا خانه پدرش می‌رفتند و در آنجا داماد را بر تخت می‌نشاندند. این تخت را با پارچه‌های گران‌قیمت و دستبافته‌های محلی و مخمل تزئین می‌کردند، مردان تک‌تک به پای

^{۱۶} سوار بر اسب بودن نماد بزرگی، اصالت داشتن و طبقه اجتماعی افراد بوده است.



 Avicenna International Community College LLC CINLU

COMSTech Inter-Islamic Network on Virtual Universities
Avicenna International Community College LLC

Holding time: September 15, 2020
Tbilisi - Georgia

4th International Conference on Language, Literature History and Civilization

تخت می آمدند، با داماد روبوسی و پولی به عنوان هدیه عروسی یا سر تختی را به یکی از فامیل‌های داماد که در کنار او نشسته بود می دادند و یک نفر دیگر نام و مقدار هدیه ها را یادداشت می نمود که خانواده داماد بعداً جبران کنند. بعد از این داماد به همراه ساقدوش و یک کله قند تزئین شده برای دست بوسی به خانه پدر عروس می رفت و شام را آنجا می خوردند که غذای داماد با غذای مهمان‌های خانواده عروس متفاوت بود. پس از صرف شام داماد کله قند را به پدر عروس می داد و از او پیراهن یا پارچه دبیت^{۱۷} هدیه می گرفت و سپس به خانه خود باز می گشتند (عباس پور، گفتگوی حضوری: ۱۳۹۷).



تصویر ۱۲: مراسم حمام بران داماد

مآخذ: تحقیقات میدانی، مجموعه عکس مصاحبه شونندگان: ۱۳۹۸.

در منزل پدر عروس هم پس از صرف شام، عروس را برای رفتن به خانه داماد مهیا می کردند «یک پارچه باریک سبز رنگ که مقداری نان، پنیر، سبزی و کمی نبات درون آن قرار می دادند و برادر کوچک عروس آن را به کمر عروس می بست، این کار نشانه توشه راه، خیر و برکت و رزق و روزی بردن عروس با خود است» (آذرنیوش، گفتگوی حضوری: ۹۷). آخر شب خانواده داماد با کسب اجازه از پدر عروس برای بردن عروس می رفتند. خواهر داماد آینه ای^{۱۸} که یک پارچه سبز رنگ به ابعاد یک متر در یک متر روی آن می انداختند و به آن دُواق^{۱۹} گفته می شد را در دست می گرفت. هنگام بردن عروس از خانه پدرش دُواق را روی سر او می انداختند و دایی عروس کلاه خود را سه بار روی سر عروس گذاشته و بر سر خود می گذارد که نشانه

^{۱۷} . دبیت پارچه ای نخی، محکم، بادوام و نسبتاً ضخیم است که برای شلوارهای بختیاری استفاده می شود. دبیت معمولاً مشکی رنگ و نوع علی اکبری آن به خاطر رنگ ثابت و نرمی آن از همه مرغوب تر است.

^{۱۸} . آینه خریدی که سر سفره عقد قرار داشت.
^{۱۹} . دُواق پارچه سبزی که در منطقه رسم است در شب عروسی هنگام بردن عروس روی سرش می اندازند که توسط خانواده داماد تهیه و نماد سبز بودن بخت و خوشبختی است.



 Avicenna International Community College LLC CINLU

COMSTEC Inter-Islamic Network on Virtual Universities
Avicenna International Community College LLC

Holding time: September 15, 2020
Tbilisi - Georgia

4th International Conference on Language, Literature History and Civilization

اصل، نسب و پشت و پناه داشتن عروس بود. قبل از بردن عروس خانواده داماد نیز پولی به عنوان مینایی به مادر عروس می دادند. یک دست عروس را داماد می گرفت و دست دیگرش را دایی اش. خواهر داماد هم آینه را روبه روی عروس می گرفت (مختاری، گفتگوی حضوری: ۹۷)، (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۳: گرفتن آینه
 مأخذ: غضنفری پور، ۱۳۹۸.

هنگام خارج شدن عروس از خانه مادرش او را از زیر قرآن عبور می دادند و وقتی به منزل داماد می رسیدند، دایی عروس دست او را به دست خواهر بزرگ یا عمه داماد می داد. در جلو منزل داماد آتشی برپا و عروس و داماد سه دور گرد آتش می چرخیدند؛ سپس داماد به همراه ساقدوش به جای بلندی مثل ایوان یا پشت بام می رفتند، هفت تخمه و اناری که سر سفره عقد بود را نیز در ظرفی گذاشته و به دست ساقدوش می دادند. سپس داماد هفت تخمه را از بالا روی سر عروس می ریخت که این خوش آمدگویی به عروس و ورود به یک زندگی پر خیر و برکت بود و انار را بین جوانان مجرد پرتاب می کردند، که هرکسی آن را می گرفت داماد بعدی محسوب می شد (نگارندگان، تحقیقات میدانی: ۹۸)؛ پس از اجرای این رسم داماد عروس را به درون منزل می برد چرا که همه زن های فامیل داماد منتظر دیدن عروس بودند. قبل از اینکه داماد دواق را از صورت عروس بردارد می بایست یک هدیه (پول یا طلا) به عنوان رو گوشون یا رو گشایی به عروس می داد. به محض نشستن عروس یک نوزاد پسر را در آغوشش می گذاشتند (تصویر ۱۴) و عروس هدیه ای به او می داد. «این کار نماد نسل دار بودن و پسر آوری عروس محسوب می شده است» (محمد حسین احمدی، گفتگوی حضوری: ۹۷).

4th International Conference on Language, Literature History and Civilization

COMSTECH Inter-Islamic Network on Virtual Universities
Avicenna International Community College LLC

Holding time: September 15, 2020
Tbilisi - Georgia



تصویر ۱۴: گذاشتن نوزاد پسر در آغوش عروس

مآخذ: تحقیقات میدانی، مجموعه عکس مصاحبه شوندگان: ۱۳۹۸

قبل از اینکه عروس وارد اتاقش شود مادر داماد چند عدد گردو زیر پای او می گذاشت که عروس می بایست با پاشنه کفشش گردوها را می شکست و سپس هدیه‌ای از مادر شوهر دریافت می کرد. برداشتن با اجازه یا بی اجازه در اصطلاح بومی خودشان دزدیدن وسیله‌ای از منزل پدر و مادر عروس رسم دیگر این شب بوده که آن را خوش‌یمن می دانستند و خانواده عروس هم باید از این کار ممانعت می کردند (تصویر ۱۵).



تصویر ۱۵: برداشتن تابلو از منزل پدر و مادر عروس

مآخذ: غضنفری پور، ۱۳۹۸.

۱-۶-۱. پابرشتوکی^{۲۰}

فردای روز عروسی دختر بچه‌ای از خانواده داماد به اتاق عروس می رفت، اتاق را جارو و یا آب برای شستن دست‌های عروس می برد که به معنی عزیز و محترم شمردن عروس نزد خانواده داماد بود؛ در عوض عروس نیز هدیه‌ای به او می داد؛ سپس عروس و داماد برای دست‌بوسی نزد پدر داماد می رفتند (آذر نیوش، گفتگوی حضوری: ۹۸) بعد از ظهر زنان خانواده عروس به جز مادر عروس به دیدن عروس می رفتند و با بردن مواد تهیه برشتوک، در خانه عروس و داماد برشتوک پخته، می خوردند و به ترانه

۲۰. برشتوک یک غذای تهیه شده از کره حیوانی، آرد، شکر، زردچوبه، رازیانه و کمی زعفران است که بیشتر برای تازه عروس‌ها و زنان زانو به جهت خاصیت درمانی و مقوی بودن پخته می شود.



خواندن و رقص و شادی می‌پرداختند. بعد از پذیرایی توسط خانواده داماد، یکی از زنان فامیل عروس که همه برای او احترام قائل‌اند هدایایی که عروس برای خانواده شوهر آورده بود را به آن‌ها تقدیم می‌کرد که برای زن‌ها پارچه یا چادر و برای مردان پیراهن. توشه عروس که شامل مغز گردو، مغز بادام، کشمش، پسته، نخودچی و تخمه) است به همراه جوراب به همه زن‌های حاضر در مجلس داده می‌شد. سپس همان زن که وظیفه دادن هدایا را داشت، یک سینی را جلوی بزرگ‌ترین زن حاضر در مجلس می‌گرفت و ایشان مقداری پول در یک‌طرف سینی برای مادر داماد و مقداری در طرف دیگر سینی برای عروس می‌گذاشت. بقیه مهمان‌ها به همان اندازه یا کمتر روی آن‌ها قرار می‌دادند. سینی دور مجلس می‌چرخید تا وقتی که دوباره به بزرگ‌ترین مجلس برسد که ایشان هم پول‌ها را برمی‌داشت و به عروس و مادر شوهر هدیه می‌کرد (نگارندگان، تحقیقات میدانی: ۹۸).

۲-۶-۱. دوما سلوم (مادرزن سلام)

شب دوم پس از عروسی رسم بر این بود که همه مردانی که خانه داماد دعوت بودند دوباره دعوت می‌شدند و داماد به همراه چند تن از بزرگان، جوانان و ساقدوش برای دست‌بوسی به خانه پدرزن می‌رفتند. بقیه در خانه داماد می‌ماندند و شام می‌خوردند. وقتی که داماد و همراهانش قصد برگشت داشتند پدر عروس به داماد و ساقدوش پیراهن یا پارچه دبیت هدیه و به همراهان جوراب می‌داد که امروزه فقط عروس و داماد و خانواده داماد به خانه پدر عروس می‌روند.

۳-۶-۱. سوم عروس

سومین روز پس از عروسی خانم‌های فامیل داماد به خانه داماد دعوت می‌شدند، همراه عروس به حمام می‌رفتند، در خانه داماد غذا و برشتوک تهیه می‌کردند و پس از برگشتن عروس و همراهان از حمام و خوردن ناهار دوباره به خواندن ترانه و رقص و آواز می‌پرداختند.

۴-۶-۱. دهم (شب دیدنی)

رسمی که امروزه کاملاً منسوخ شده و هیچ اثری از آن نیست، شب دهم که به شب دیدنی معروف بود. همه مهمان‌های خانه پدر عروس به دعوت او برای دیدن عروس به خانه داماد می‌رفتند و پس از صرف شام درون یک سینی پول که همان هدیه عروسی بوده را گذاشته و به پدر داماد تقدیم می‌کردند. در آخر شب مردان خانواده عروس، محارم اوبه نزد عروس می‌رفتند، عروس می‌بایست دست آن‌ها را می‌بوسید و آن‌ها به عروس هدیه می‌دادند که این آخرین مرحله از یک مراسم عروسی در چلیچه بوده است. پس از این شب، پاگشا کردن عروس شروع و فامیل‌های عروس و داماد آن‌ها را به همراه خانواده‌هایشان



دعوت می کردند و هر کس که عروس را پاگشا می کرد یک شب به خانه عروس و داماد رفته و هدیه ای به عنوان کادوی پاگشا برای آن ها می برد (محمد حسین احمدی، آذر نیوش و انصاری، گفتگوی حضوری: ۹۷).

۷-۱. دومالالی^{۲۱}

ترانه هایی که در قسمت های مختلف عروسی خوانده می شدند به دوما لالی، آهای گل، داینی داینی، گل گلبند حنا مربوط به مراسم حنابندان معروف بوده و هستند. مضمون این اشعار بیشتر در وصف عروس و داماد بوده و نام عروس، داماد و فامیل هایشان در متن اشعار گنجانده می شده است (قنبری عدیوی، ۱۳۹۰). آوازاها کاملاً بداهه و توسط زنانی که به «بیت خوان» معروف بودند اجرا می شد. تعداد این زنان در هر طایفه ای زیاد بوده و بنابراین در یک جشن عروسی به نوبت آواز می خواندند، جمعیت حاضر نیز در پایان هر بند آوازی به صورت موسیقایی عبارت «آهای گل» را در پاسخ تکخوان می خواندند. بخشی از آواها و ترانه هایی که در مراسم عروسی خوانده و به دومالالی و آهای گل معروف بوده و هستند به قرار زیر عنوان می شوند که از طریق مصاحبه با خانم شاهزاده مختاری جمع آوری شده اند.

جُونُمی جُونُمی و جُونِ مِ جُونِمیا کَلالَتِ کُلِ بَچِیْمِ خَرَمِنِ رازِیونُمی
جان منی و مایه زندگی من هستی از خرمن موهایت گل بچیم خرمین رازیانه هستی

باغِ آنگیرِ آ (اسم پدر داماد) آنگیرِ سِ کُمِ دَرِوَشْرِیَه دُشکِ آ (اسم داماد) مَحْمَلِ رِیَه بِنُوشِ
انگورهای باغ انگور^{۲۲} آقای (...) مانند دسته درفش درشت هستند روکش تشک آقا (...) مخمل بنفش^{۲۳} است.

باغِ آنگیرِ آ (...) تک تک چو آلیه ریه دُشکِ آ (...) مَحْمَلِ را راهیه
باغ انگور آقا (اسم پدر داماد) تک تک درخت های آلو دارد روکش تشک آقا (اسم داماد) مخمل راه راه است.

أَحْیا یَه وَاَمَه داشتم گگومه بینم سوار من زینس گل پاشم دور زینس گل انار
از خدا یک درخواست داشتم که برادرم را سوار اسب دامادی بینم روی زین اسبش گل پاشم دور زینس گل انار^{۲۴} بریزم

پُل بُونَدیت پُل بُونَدیت چو انار تر که گنار تا بیا به بگذره آقا (...) با صد سوار

۲۱. دوما به معنی داماد، لال عروسک و ی آخر پای نسبت است که ترجمه روان این کلمه عروس دامادی می شود.
۲۲. انگور یکی از اصلی ترین محصولات در منطقه بوده و داشتن باغ انگور نماد دارا بودن و ثروت افراد محسوب می شده است.
۲۳. ارغوانی یا بنفش، رنگ مورد استفاده خوانین، در اینجا بزرگ زادگی و اصالت داماد مدنظر است.
۲۴. انار در فرهنگ مردم منطقه نشان فرزند آوری و برکت است.



با چوب انار و ترکه‌های درخت کنار پل بسازید تا آقا (داماد) با صد سوار همراهش از روی آن بگذرد

پُل بُنَدیت پُل بُنَدیت چو انار ترکه فولوس تا بیاھه بگذره آقا (...). با عروس
از چوب درخت انار و درخت فولوس پلی بنیدید تا آقا (اسم داماد) به همراه عروسش از روی آن بگذرد.

بُرچِ اَسبِی بَلِنْدُو آقا (...). ساختسه کَلوَجَه آسْتِرِ سَمُورِ آ (...). دادسه
برج سفید بلند که آقای (اسم داماد) آن را ساخته است جلیقه با آستری از جنس پوست سمور^{۲۵} که آقا (اسم عموی داماد) به
او داده بر تن دارد.

بُرچِ اَسبِی بَلِنْدُو آقا (...). به سَرَسْ / کَلوَجَه آسْتِرِ سَمُورِ آ (...). کرد ورس
برج بلند سفید که آقا (اسم داماد) با جلیقه از جنس پوست سمور که آقا (اسم دایی داماد) بر تن او کرده بالای آن ایستاده
است.

گَلَه رَمِ کَرِدِ گَلَه رَمِ کَرِدِ زِی به قاش کُت و شلوار آ (...). یه تومن دادم به جاش
گله رم کرد و به شکاف کوه رفت کت و شلوار آقا (اسم داماد) را یک میلیون خریده‌ام.

دِیگِ گَپِ آ (...). گوشواره به گوش زه همیچور که ایغُرْمِنِه ایل و طایفه خوشسه
دیگِ بزرگ آقا (اسم بزرگ خاندان) دسته‌های آن همچون گوشواره درون گوش است و وقتی که غذا درون آن می‌جوشد
همه ایل و طایفه شاد و خوشحال‌اند.

رَمُونِ دیره / رَمُونِ دیره / رَمُونِ دیره نا هوار آ دولت آ (...). هَمَمُونِ ماشین سوار
راهمان دور و ناهموار است از دولت و بزرگ منشی آقا (اسم پدر داماد) همه ما سواره‌ایم.

^{۲۵}. نشان از گران‌قیمت بودن آن دارد.



۱-۷-۱. برخی از ترانه‌های حنابندان

این ترانه‌ها بسیار زیاد و بسیاری از آن‌ها فی البداهه بوده اند که یک نفر می‌خواند و دیگران پاسخ می‌دادند که برخی شان ذکر می‌گردد.

- حنا حنا گل گلبند حنا عاریس حنا اینده به دست و پاس اینده اگه حنا نباشه آب طلا اینده حنا حنا گل-گلبند) پارچه‌هایی لطیف و تزئین شده که از آن‌ها به‌عنوان حنا بند استفاده می‌شود) حنا دوما حنا اینده به دست و پاس اینده اگه حنا نباشه دل به خدا اینده

سوز به معنی سبز نماد خوشبختی، خوش یمنی، خرمی و آبادی است. از گذشته‌های دور در منطقه رنگ سبز جایگاه ویژه‌ای داشته و در همه مراسم‌ها علی‌الخصوص مراسم عروسی بسیار به کار برده می‌شود.

جدول شماره ۲: برخی ترانه‌های حنابندان

محتوی	مفهوم	پاسخ همراهان	تکخوان
سرسبزی و سبز بودن بخت	سبزاست، سبزاست	سِوزَه	سِوزَه وُو سِوزُ لَه
سر سبزی و نشاط سبز بودن بخت و خوشبختی عروس	عروس سبز است	سِوزَه	عروس چه سِوزَه
خوشبختی در زندگی	بخت عروس سبز است	سِوزَه	بَختِس سِوزَه
خوش‌یمن بودن و شگون داشتن رنگ سبز و خوشبختی داماد	داماد سبز است	سِوزَه	دوما چه سِوزَه
سر سبزی و شادکامی	تخت داماد سبز است	سِوزَه	تَختِس سِوزَه

مآخذ: نگارندگان، تحقیقات میدانی: ۱۳۹۷

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی هر شخصی مرحله ازدواج و تشکیل خانواده است که جدا از جنبه ضرورت و اهمیت این موضوع آداب، رسوم و سنت‌های هر منطقه در برگزاری آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و باوجود ریشه واحدی که در

برگزاری این آئین در همه مناطق و بین همه اقوام وجود دارد، در چگونگی برگزاری و اعتقادات در پس آن تفاوت‌هایی نیز وجود دارد. بختیاری‌ها جزو اقوامی هستند که هنوز هم سعی در برگزاری مراسم عروسی به صورت اصیل و سنتی دارند و منطقه چلیچه نیز که یکی از مناطق بختیاری نشین است از این قاعده مستثنی نیست. مراسم عروسی در این منطقه دارای آداب و رسوم خاص بوده که برخی از آن‌ها امروزه کاملاً منسوخ شده و برخی از آن‌ها کم‌رنگ شده و فقط به صورت نمادین برگزار می‌شوند. بررسی این مراسم و عقاید و باورهای پشت آن‌ها به ماندگاری و احیا آن‌ها و شناساندنشان به آیندگان و رسیدن به هویت و اصالت این مردم کمک شایانی می‌کند. با توجه به متن می‌توان دریافت که در پس همه این آداب و رسوم، اعتقاد به برکت و سبز بودن بخت و زایش و فرزند آوری و در اصطلاح نسل دار بودن نهفته است و بسیاری از این آداب و رسوم نشانه احترام به بزرگ‌ترها و احترام دو خانواده و حتی دو طایفه در حال وصلت به همدیگر و نیز به تصویر کشیدن مقام و شأن خانواده‌هاست که این برداشت را می‌توان به وضوح در آداب و رسوم و اشعار و نواهایی که در این مراسم به کار می‌برند، مشاهده کرد.

منابع

- ایزدی، غلامعلی (۱۳۹۶). نوستالژی در شعر گویشی بختیاری، نشریه علمی پژوهشی مطالعات ایلات و عشایر، دوره ۷، شماره ۲.
- ایزدی جیران، اصغر (۱۳۹۱). تجسم فرهنگ در هنر، مردم‌نگاری ورنی‌های قره داغ آذربایجان. رساله‌ی دکتری رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، چاپ نشده.
- پهلوان، کیوان (۱۳۷۸). جلوه‌ای از مراسم عروسی در میان لرهای لرستان و بختیاری، مجله فرهنگ مردم ایران: شماره ۱۳.
- رفیع فر، جلال‌الدین، کمال لو، خدیجه (۱۳۹۳). بررسی آثار حنابندان از دیرباز تاکنون، دو فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه، سال دوم، شماره ۴.
- رضایی، حمید، ظاهری عبده وند، ابراهیم (۱۳۹۴). تأثیر جنسیت بر اشعار عامه بختیاری، تهران: تربیت مدرس.
- داوودی حموله، سریا (۱۳۹۶). موسیقی قوم بختیاری، نشر افراز.
- صادقی، مسعود (۱۳۹۶). چلیچه در گذر زمان، فارسان: پژمان بختیاری
- گشتاسب، فرزانه (۱۳۹۱). تأملی بر آداب و رسوم زرتشتیان، پژوهشنامه ادیان، سال ۶، پاییز و زمستان.



- فکوهی، ناصر (۱۳۸۵). پاره‌های انسان‌شناسی. مجموعه‌ی مقاله‌های کوتاه، نقدها و گفتگوهای انسان‌شناختی. تهران: نشر نی.
- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۹۰). گونه ترانه در ادبیات عامه بختیاری، فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، ۱۴۳-۱۶۸.
- ملک‌زاده، حسن (۱۳۹۱). مبانی انسان‌شناسی. چاپ اول، تهران: نشر علم.
- منادی، مرتضی (۱۳۸۶). مردم‌نگاری. فصلنامه‌ی حوزه و دانشگاه، سال سیزدهم، شماره ۵۱.
- میر نیا، سید علی (۱۳۶۹). فرهنگ مردم (فولکلور ایران)، تهران: پارسا.
- موسوی، اسماعیل (۱۳۹۵)، عکاس و گرافیسیت، مجموعه عکاسی‌های انجام شده از قوم بختیاری.
- نقی زاده، حسن، روستا، مرضیه (۱۳۹۴). بررسی روایات نحوست روز دوشنبه، دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال هفتم، شماره ۱۴.

- Murchison, Julian M (2010). *Ethnography essentials. designing, conducting, and presenting your research*, Printed in the United States of America.
- Morphy, Howard. (2009a), "Re-reading Ronald Berndt: Exploring the Depths of his Yolngu Ethnography", *Anthropological Forum*, 19 (1).
- O'Reilly, K. (2005). *Ethnographic Methods*. London: Routledge.
- Vanderstoep, Scott W. and Johnston, Deirdre D. (2009), *Research Methods for Every Day Life*, blending Qualitative and Quantitative Approaches, Published by Jossey-Bass.
- <http://www.Anthropologyandculture.com>.
- <http://www.irna.ir/fa/News/82845717>.

مصاحبه شوندگان حضوری

- احمدی، محمدحسین، گفتگوی حضوری، کشاورز، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ ساعت ۱۵:۲۱ شب
- احمدی، محمدصادق، گفتگوی حضوری، کارمند، ۱ خرداد ۱۳۹۷ ساعت ۱۷ عصر
- احمدی، محمدحسن، گفتگوی حضوری، کشاورز، ۱ خرداد ۱۳۹۷ ساعت ۲۱ شب
- انصاری، پروانه، گفتگوی حضوری، خانه‌دار ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۷ ساعت ۲۱ شب
- آذر نیوش، فریبا، گفتگوی حضوری، خانه‌دار، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۷ ساعت ۶ عصر
- عباس پور، عجم، گفتگوی حضوری، کشاورز، ۳ خرداد ۱۳۹۷، ساعت ۱۶ عصر
- غضنفری پور، آسیه. دانشجوی کارشناسی فرش دانشکده هنر و علوم انسانی فارس، مطلع کلیدی.



- مختاری، شاهزاده، گفتگوی حضوری، خانه‌دار، ۲۳ فروردین ۱۳۹۷ ساعت ۴ و ۳۰ بعد از ظهر

* لازم به ذکر است که به خاطر عدم منابع مکتوب در ارتباط با موضوع مقاله مورد نظر، حجم بیشتر داده‌ها از میدان تحقیق و مصاحبه با مطلعین کلیدی جمع‌آوری شده است. تصاویر مقاله هم به دلیل اینکه از روی فیلم‌های ویدیویی یا عکس‌های ۱۵ تا ۲۰ سال پیش تهیه شده، ممکن است کیفیت عالی نداشته باشند.

Reading the customs, traditions and beliefs of marriage in the city of Cholicheh

Abstract

The oral culture of different ethnic groups has custom, which was almost constant from the beginning and was rarely changing, but with the modernization of societies and the prevalence of urbanization, some of these traditions have been dimmed. Among these ceremonies, marriage is one of the most important stages in the life of individuals. This tradition is based on the existence of different cultures and geographic locations in different parts of the country, with many different beliefs, many of which are common roots and coexistence, and others are carried out with the specific methods of each region. In the meantime, the city of Cholicheh, from the provinces of Chaharmahal and Bakhtiari, has had a variety of traditions after the wedding, such as the bride and groom, after the wedding, after which some belief in some of their beliefs. For this reason, this qualitative article in ethnographic and descriptive-analytical way aims to identify the customs, beliefs, and some marriages of love in the city of Chalice, and introduce the implications behind it, although the ceremony is not as past, the form Has kept it's symbolic. To this end, the question arises as to what beliefs and contents of the marriage ceremony existed in the city of Cholicheh? The results indicate that beliefs after the marriage ceremony in the city of Cholicheh rooted in the ancient cultures and beliefs of the people of this city and more aspects of respect, openness, happiness and happiness, and this tradition is a sign of the sacredness and importance of marriage in the oral culture of the people of the region have been.

Keywords: marriage, beliefs mores, Cholicheh, oral culture